

## یکصد و بیست سال توطئه و خرابکاری انگلیس علیه ایران

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی  
شهریور ۱۴۰۵

## فهرست مطالب

|                                                     |    |
|-----------------------------------------------------|----|
| مقدمه.....                                          | ۲  |
| اقدامات مخرب انگلیس از مشروطه تا انقلاب اسلامی..... | ۴  |
| توطئه ها و مداخلات انگلیس پس از انقلاب اسلامی.....  | ۹  |
| اقدامات مخرب انگلیس طی سه سال گذشته.....            | ۱۶ |

به نام خدا

## یکصد و بیست سال توطئه و خرابکاری انگلیس در ایران

### مقدمه:

اگرچه ردپای انگلیس در ایران به دوران مغول و صفویه باز می‌گردد، اما حضور و نفوذ رسمی استعمار انگلیس در ایران در اوایل دوره قاجار و به‌ویژه قرن نوزدهم میلادی وارد مرحله جدیدی شد؛ مرحله‌ای که همزمان با گسترش رقابت‌های استعماری اروپا و شکل‌گیری نظم جدید بین‌المللی، جایگاه ایران را در محاسبات راهبردی قدرت‌های بزرگ به‌ویژه بریتانیا دگرگون کرد. گشایش روابط رسمی میان دو کشور، استقرار نمایندگی‌های دیپلماتیک و گسترش تدریجی مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی، زمینه را برای شکل‌گیری نفوذ بریتانیا در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران فراهم کرد.

راهبرد بریتانیا در قبال ایران را نمی‌توان صرفاً در چارچوب مناسبات دوجانبه یا اهداف اقتصادی تبیین کرد. موقعیت ژئوپلیتیک، مجاورت با هند تحت سلطه انگلیس و قرار گرفتن در میانه حوزه‌های نفوذ قدرت‌های بزرگ سبب شد ایران به یکی از عناصر مهم در محاسبات امنیتی و سیاسی بریتانیا تبدیل شود. از این منظر، سیاست بریتانیا عمدتاً بر حفظ ایران ضعیف اما باثبات و قابل کنترل استوار بود که نه منافع و موقعیت بریتانیا را به چالش کشد و نه آنکه بی‌ثباتی‌اش امنیت ارتباطات، لجستیک و منافع استعماری بریتانیا را به خطر اندازد. تجربه تاریخی روابط دو کشور نشان می‌دهد که سیاست بریتانیا در قبال ایران در دوره‌های مختلف متأثر از شرایط و مقتضیات زمان تغییر شکل داده اما برخی عناصر بنیادین آن از جمله اهمیت ژئوپلیتیکی ایران، نگرانی از ظهور یک قدرت منطقه‌ای مستقل و تلاش برای حفظ دسترسی و نفوذ در سیاست‌های خصمانه انگلیس در قبال ایران استمرار داشته است.

سرگروزی و جان ملکم از اولین سفرا و نمایندگان انگلیس در ایران با این استراتژی که ایران باید همواره کشوری ضعیف در منطقه باشد، وارد کشورمان شدند و این استراتژی همچنان در دستور کار انگلیس باقی است. انگلیسی‌ها برای اجرای این هدف از هیچ اقدامی اعم از غارت و چپاول منابع و دارایی‌های ایران تا قتل و ترور رهبران و شخصیت‌های مبارز و متفکر فروگذار نکردند.

تا قبل از ظهور ایالات متحده آمریکا به عنوان یک ابرقدرت در صحنه جهانی و قدرت مسلط در خاورمیانه و خلیج فارس در بعد از جنگ جهانی دوم، این بریتانیا بود که در منطقه و ایران حضور و نفوذی قوی داشت. انگلستان قادر بود بخش مهمی از ساختارها و فرآیندهای سیاسی و اجتماعی ایران آن زمان را مطابق منافع و خواسته‌های خود شکل دهد. این کشور به روش‌های متعدد از جمله تشکیل لژهای فراماسونری و شبکه‌های نفوذ در جامعه سیاسی ایران دخالت می‌کرد. انگلیسی‌ها هر چند استعمار خود را دیرتر از اسپانیا و پرتغال آغاز کردند اما سیاست‌های استعماری آن‌ها در قالب حضور فیزیکی و عوامل وابسته برای قرن‌ها تداوم داشت.

ایران به دلیل همسایگی با روسیه به عنوان رقیب مستعمراتی انگلیس، پل ارتباطی غرب با هندوستان (به عنوان بازارش‌ترین مستعمره بریتانیا) و در نهایت بهره‌مندی از منابع سرشار نفتی (به عنوان بازارش‌ترین کالا) مورد طمع استعماری بریتانیا بوده و طی سالیان متمادی ضربات جبران‌ناپذیری از سوی انگلیس به ایران در اثر چنین مداخلاتی وارد شده است.

قراردادها، معاهده‌ها و توافق‌نامه‌هایی که سفارت انگلیس در تهران و کمپانی شرقی بریتانیا در هند بر ایران تحمیل کردند، هر کدام گوشه‌ای از فرهنگ و تمدن ایران را به اسارت گرفته، قسمتی از خاک ایران را بر باد داده و مانعی در راه پیشرفت این ملت بوده است. سیاست‌های انگلیس موجب شکست نهضت ملی در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق و یکی از عوامل تحمیل عهدنامه‌های ننگین گلستان و ترکمنچای به ایران گردید. عوامل انگلیس باعث بسیاری از فتنه‌ها و فسادها و کشتارهای درون مرزهای ایران در مدت طولانی حضور آنها شد. از سوی دیگر دخالت‌ها و رقابت انگلیسی‌ها با روس‌ها عملاً راه هرگونه توسعه سیاسی و اقتصادی ایران را بست و این همزمان با بی‌کفایتی برخی از حکام ایران بود. دخالت‌های آشکار انگلیسی‌ها در دوره فتحعلی‌شاه قاجار با تشدید

نیازهای نظامی و مالی ایران که در جنگ با روس‌ها بود، موجب جدایی افغانستان از سرزمین مادری-اش گردید. این دخالت‌ها با تقسیم ایران به سه حوزه نفوذ در سال ۱۹۰۷ شامل شمال تحت نفوذ شوروی، جنوب تحت نفوذ بریتانیا و مرکز به‌عنوان منطقه بی‌طرف ادامه یافت که نتیجه آن مرگ میلیون‌ها ایرانی در اثر فقر و کمبود مواد غذایی بود.

روس‌ها در سال ۱۹۱۷ بر اثر وقوع انقلاب بلشویکی، ایران را تخلیه کرده و میدان را برای انگلیسی‌ها خالی نمودند. با خروج روس‌ها، نظامیان انگلیسی طی سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ با خرید میلیون‌ها تن مواد غذایی، عملاً قحطی بزرگی را بر ایرانیان تحمیل کردند. بر اساس مستندات موجود، حدود ۱۰ میلیون ایرانی در این واقعه تلخ جان خود را از دست دادند.

## **الف- اقدامات مخرب انگلیس از مشروطه تا انقلاب اسلامی**

### **• انحراف نهضت مشروطه**

نقش دولت انگلیس در تحولات منتهی به انقلاب مشروطه و پس از آن از جمله موضوعات مهم و محل بحث در تاریخ معاصر ایران است. در ماجرای انقلاب مشروطه، سوار شدن بر موج خواسته‌های مردم، به‌دست گرفتن مدیریت روند انقلابی و واگذاری آن به عناصر موردنظر خود بود که در قالب نوشتن قانون اساسی مشروطه به نمایش درآمد. دولت انگلستان در جریان تحولات مشروطه، در مقطعی با اتخاذ مواضع دوگانه و استفاده از نفوذ سیاسی و دیپلماتیک خود تلاش کرد روند تحولات را در جهت مدیریت کند که با منافع راهبردی این کشور سازگار باشد. انگلیسی‌ها با حمایت ظاهری از انقلاب مشروطه و میزبانی از رهبران آن در سفارت خود در تهران، به تحمیل خواسته‌های خود به آنان پرداختند و مسیر مشروطه را به جایی کشاندند که شیخ فضل‌الله نوری از رهبران مشروطه مشروعه‌خواه، در تهران به دار آویخته شد در حالی که بسیاری از مستبدین توانستند به قدرت بازگردند.

## • اقدامات علیه شخصیت‌های مخالف مداخله استعماری انگلیس

در ادامه روند مداخله‌گری انگلیس، برخی شخصیت‌های مذهبی و سیاسی که نسبت به نفوذ قدرت-های خارجی به‌ویژه مداخله بریتانیا در امور داخلی ایران مواضع انتقادی داشتند، در معرض فشار، محدودیت و برخورد سیاسی قرار گرفتند.

ورود مستقیم انگلیسی‌ها در اقدامات علیه شخصیت‌های ضداستعماری ایران را می‌توان در ماجرای اعدام شیخ فضل‌الله نوری توسط عوامل سرشناس سفارت انگلیس چون میرزا محمد نجات خراسانی و «مستر اسمارت» نماینده سفارت انگلیس، در محل بازجویی متهمین و همچنین در توطئه قتل امیرکبیر توسط جیمز فریزر مأمور انگلستان در ایران که در پوشش جهانگرد وارد کشور شده بود، مشاهده کرد. وی در مورد امیرکبیر و ممانعت وی در پیشبرد سیاست‌های انگلیس می‌نویسد: "بدیهی است در مرحله اول باید از دست‌ویزی که مسبب همه این بدبختی‌هاست خلاص شد، کسی که با روش معینی به‌نظر می‌رسد هر پیشنهاد انگلیس را خنثی می‌سازد و با آن مخالفت می‌کند."

## • غارت منابع ایران از طریق قراردادهای استعماری

از شیوه‌های استعماری انگلیس در ایران و دیگر کشورهای مستعمره، عقد قراردادهای استعماری با پرداخت رشوه و تطمیع حاکمان بود که بر اساس این قراردادها سود هنگفتی از غارت و چپاول منابع کشور نصیب بریتانیا می‌شد و سهم ناچیزی هم به حاکمان پرداخت می‌شد. از مهمترین قراردادهای انگلیس می‌توان به قرارداد رژی (۱۸۹۰ میلادی) اشاره کرد که بر اساس آن کلیه عملیات خرید و فروش و بهره‌برداری از توتون و تنباکوی ایران به انگلیس واگذار شد.

در قرارداد رویتر (۱۸۷۲ میلادی) امتیاز ایجاد راه‌آهن به مدت هفتاد سال و همچنین استفاده از کلیه معادن ایران به استثنای طلا و نقره، جنگل‌ها و آب‌های زیرزمینی و زیرزمینی به همان مدت در

قبال سهم ناچیزی از آن که به شاه قاجار پرداخت می‌شد، به صاحب امتیاز یعنی بارون ژولیون دو رویتر انگلیسی داده شد.

در قرارداد داری (۱۹۰۱ میلادی) امتیاز استخراج، بهره‌برداری و لوله‌کشی نفت و قیر در سراسر ایران به جز پنج استان شمالی به مدت شصت سال به ویلیام ناکسی داری داده شد. طبق این قرارداد تنها ۱۶ درصد از عواید آن به دولت ایران پرداخت می‌گردید. انگلیسی‌ها حتی در پرداخت همین ۱۶ درصد نیز به لطایف‌الحیل شانه خالی می‌کردند.

در سال ۱۹۰۹، شرکت نفت انگلیس و ایران، که سلف شرکت بریتیش پترولیوم بود، به‌عنوان یک شرکت تابعه از شرکت‌های نفتی بریتانیا تأسیس شد. این شرکت با حاکمان قاجار ایران، که در آن زمان با نام پرشیا شناخته می‌شد، قراردادی منعقد کرد که به‌موجب آن کنترل میادین نفتی کشور به آن واگذار شد. این شرکت بریتانیایی تنها با ۲۰ میلیون پوند (معادل امروزی ارزش قرارداد) و ۱۶ درصد سود، بیش از ۵۰۰۰۰۰ مایل مربع را تصاحب کرد.

به‌موجب قرارداد ۱۹۱۹ میان وثوق‌الدوله و کاکس انگلیسی، پرداخت چهارصد هزار تومان رشوه، تقریباً تمامی امور کشوری و لشکری ایران به کنترل مستشاران انگلیسی درآمد و ایران رسماً تحت‌الحمایه انگلیس شد.

### • سرکوب قیام‌های ملی ایرانیان

اگرچه مقامات ایرانی در دوران قاجار و پهلوی نسبت به این عوامل بی‌تفاوت بودند اما هر زمان که پدیده شوم استعمار انگلیس و روسیه اقدام به غارت و چپاول منابع ایران می‌کرد، صدای اعتراض و ایستادگی مردم در قالب گروه‌ها و نهضت‌های ملی خود را نشان می‌داد. از نمونه‌های این مقاومت و ایستادگی می‌توان به قیام رئیس‌علی دلواری، نهضت جنگل، قیام کلنل پسیان و افسران خراسان اشاره کرد که در مقابل نفوذ انگلیس شکل گرفت.

قیام رئیسعلی دلواری در مقابل تجاوز گسترده و ورود نیروهای انگلیسی به جنوب ایران، نهضت جنگل و کلنل پسیان در مقابل دولت‌های دست‌نشانده انگلیسی‌ها در تهران با دخالت بریتانیا به شکست انجامید و موجب شهادت رهبران جنبش گردید. سرگذشت این سرداران آزادی‌خواه و ضداستعماری، بیانگر دخالت‌های آشکار استعمارگران بریتانیایی در ایران است.

پالایشگاه نفت آبادان، از جمله سودآورترین دارایی‌های امپراتوری بریتانیا بود، اما به کارگران محلی از جمله کودکان کار متکی بود که شرایط اسفناک محل کار و مسکن ناکافی شرکت را تحمل می‌کردند. شرکت نفت ایران و انگلیس برای حفظ ثبات سیاسی خود، شبکه‌ای ایجاد کرد که شامل سیاستمداران، سردبیران روزنامه‌ها و جنگ‌سالاران قبیله‌ای بود. آنها هربرت جان آندروود، سرهنگ سابق ارتش هند که با سرویس اطلاعاتی بریتانیا ارتباط داشت، را برای نظارت بر خبرچینان در بین کارگران و توزیع سلاح در صورت لزوم استخدام کردند.

یکی از گام‌های بریتانیا برای پایان دادن به حکومت ملی محمد مصدق، شکنجه و قتل محمود افشارطوس (در سال ۱۳۳۱ از طرف مصدق به سمت ریاست کل شهربانی منصوب گردید) بود. رئیس پلیس فهرستی از مقامات ایرانی که با بریتانیا و ایالات متحده برای تضعیف دولت همکاری می‌کردند، تهیه کرده بود. وقتی از نورمن داربی‌شایر، مأمور بریتانیایی MI6، ترور وی را به‌عنوان بخشی از پروژه تأیید کرد. علاوه بر این، سیف‌الله، قدرت‌الله و اسدالله رشیدیان، برادران انگلوفیل که در استفاده از فریب، رشوه و ارباب برای اطمینان از توزیع گزارش‌های رسانه‌ای دوستانه مهارت داشتند، نقش محوری در پیشبرد عملیات بریتانیا ایفا کردند. به گفته ریچارد کاتم، مأمور سیا، برادران رشیدیان به حدود ۸۰ درصد از روزنامه‌های ایران دسترسی داشتند. در واقع، آنها مسئول سازماندهی شاخه مبارزات خیابانی جنبش ضدملی بودند. آنها به نام سرنگونی مصدق، اراذل و اوباش را از باندهای خیابانی استخدام کردند.

## • کودتای رضاخان، از صعود تا سقوط

نقش بریتانیا در کودتای ۱۲۹۹ از موضوعات مهم تاریخ معاصر ایران است. پس از لغو قرارداد ۱۹۱۹ که همزمان با اوج‌گیری انقلاب روسیه و احتمال ورود ایدئولوژی کمونیست به ایران بود، بریتانیا به این نتیجه رسید که برای رسیدن حفظ ایران، باید فردی دست‌نشانده و دولتی مطیع بر سر کار آید. انگلیس نیاز به دو شخصیت داشت: یک سیاستمدار برای تشکیل کابینه و یک نظامی که با کودتا زمام امور را در دست گیرد. لذا به سراغ سیدضیاء طباطبایی و رضاخان میرپنج رفت. با این راهبرد، در دوم اسفند ماه ۱۲۹۹ هجری شمسی، بخشی از قوای قزاق به استعداد یک گردان که از ماه‌ها قبل به کمک انگلیس خود را برای ورود به تهران و تسلط بر پایتخت آماده کرده بود، دست به اقدام زد و به این ترتیب رضاخان با کودتای انگلیسی و تحت نخست‌وزیری سیدضیاء بر کشور مسلط شد و مقدمات سقوط سلطنت قاجار و شروع حکومت پهلوی فراهم گردید. انگلیسی‌ها همچنانکه در به قدرت رساندن رضاخان نقش داشتند، در سقوط وی نیز نقش اصلی ایفا کردند. در سوم شهریور ۱۳۲۰ انگلیس و شوروی برای رسیدن به اهداف خود در جنگ، ایران را اشغال کردند. انگلیسی‌ها با دخالت مستقیم خود، رضاشاه را تبعید و پسرش محمدرضا را به‌جای وی نشاندد.

## • اشغال ایران در جنگ جهانی دوم

در جریان جنگ جهانی دوم با وجود اعلام بی‌طرفی از سوی ایران در سال ۱۳۲۰ مورد اشغال نیروهای بریتانیا و شوروی قرار گرفت. یکی از پیامدهای مستقیم این اشغال وادار شدن رضاشاه به کناره‌گیری از سلطنت و انتقال قدرت به پسرش بود. این رویداد نشان داد که در مقاطع حساس تاریخی، استقلال و تمامیت ارضی و سیاسی ایران تحت تأثیر ملاحظات قدرت‌هایی همچون انگلیس قرار داشت و منافع خود را در قلمروی ایران دنبال می‌کردند. در سال ۱۹۴۱ بریتانیا با استناد به نگرانی از احتمال اتحاد ایران با آلمان هیتلری، به‌همراه روسیه به ایران حمله کرد و آشوب و ناامنی و قحطی را برای دهه‌های مدید بر ملت ایران تحمیل کرد. نیروهای بریتانیایی تا سال ۱۹۴۶ در ایران باقی ماندند.

## • کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت مردمی مصدق

یکی از مهمترین نمونه‌های مداخله بریتانیا در امور داخلی ایران، نقش این کشور در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت محمد مصدق است. با گذشت هفت دهه از وقوع کودتای مذکور، با وجود آنکه دولت بریتانیا همچنان به محققان اجازه دسترسی به اسناد مهم مربوط به کودتا را نمی‌دهد و در مورد دخالت در آن اظهارنظری نمی‌کند، اما اسناد و شواهد حاکی از نقش واضح بریتانیا در این روند است.

از اقدامات مهم دولت مصدق، تلاش در جهت ملی کردن نفت ایران بود. انگلیس که خود را صاحب بلامنازع نفت ایران می‌دانست، تحرکات خود را علیه دولت مصدق آغاز نمود و در این مسیر از همه ابزارها، از تهدید و تحریم تا تطمیع و تحریک مخالفان استفاده نمود. زمانیکه با مقاومت مصدق و سرسختی رهبران نهضت ملی شدن صنعت نفت روبه‌رو شد، طرح کودتا را در دستور کار قرار داد. سرویس اطلاعاتی انگلیس (MI6) با همکاری آمریکا، عملیات آژاکس را با هدف سرنگونی دولت مصدق اجرا نمود و در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این پروژه اجرایی گردید.

مونتی وودهاوس، مأمور MI6، به واشنگتن سفر کرد تا وزارت امور خارجه و به‌ویژه CIA را متقاعد کند که مصدق باید برکنار شود. به گفته کرمیت روزولت، مأمور ارشد سیا، وودهاوس و سم فال، دیپلمات بریتانیایی از قبل «نقشه نبرد» را بر اساس شبکه رشیدیان‌ها و دستورالعمل‌هایی که از راه دور توسط مأموران MI6 در قبرس ارسال می‌شد، تهیه کرده بودند.

وینستون چرچیل، نخست‌وزیر محافظه‌کار بریتانیا و دوایت آیزنهاور، رئیس‌جمهور جمهوری خواه آمریکا، «عملیات آژاکس» را تأیید کردند. چرچیل در ۴ آگوست (۱۳ مرداد) در سیاتل سخنرانی عمومی ایراد و گرایش‌های ضددموکراتیک مصدق را محکوم کرد. MI6 و CIA چراغ سبز سرنگونی مصدق را نشان دادند و شاه را متقاعد کردند که زاهدی را به‌عنوان نخست‌وزیر منصوب کند. کودتای اولیه در ۲۵ مرداد شکست خورد و سیا به مأموران خود دستور داد از ایران خارج شوند. اما داری‌شایر مأمور MI6، یک نقشه پشتیبان داشت که شامل نفوذ عوامل تحریک‌کننده تحت حمایت آمریکا به اعتراضاتی بود که در پاسخ به کودتا فوران کرده بود. این امر بهانه‌ای برای ارتش جهت تشدید

سرکوب بود و در نتیجه آن، تانک‌ها و سربازان در ۲۸ مرداد به خانه مصدق حمله کردند. مصدق به «خیانت» متهم، برکنار و تا زمان مرگش در سال ۱۳۴۵ در سلول انفرادی نگهداری شد. کودتای ۲۸ مرداد همچنین موجب تقویت حکومت پهلوی و تضعیف جریان‌های ملی و سیاسی شد و در بلندمدت، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری بی‌اعتمادی عمیق جامعه و نیروی سیاسی ایران نسبت به غرب بوده و هست. شرکت‌های بریتانیایی، اروپایی و آمریکایی بار دیگر کنترل نفت ایران را به دست گرفتند. شاه به یک حاکم مستبد تبدیل شد و یک دیکتاتوری بی‌رحمانه ایجاد کرد.

### • جدایی هرات و بحرین از ایران

در تاریخ معاصر بخش‌هایی از ایران از جمله هرات، آارات و بحرین از ایران جدا شدند. در هریک از این جدایی‌ها نقش انگلیس کاملاً آشکار است. این کشور برای حفاظت از منافع خود در هند و ایجاد سدی در مقابل ایران به ایجاد جنگ‌های متعدد علیه کشورمان پرداخت و در نهایت، هرات را از ایران جدا نمود. گلداسمید مأمور سیاسی انگلیس نقش اول اجرای طرح تحدید مرزهای جنوب شرق ایران را داشت. وی می‌خواست همه مناطق عشایرنشین بلوچ را از خاک ایران جدا و با بلوچستان پاکستان امروزی ضمیمه کلات کند و حکومت به ظاهر مستقل کلات در نهایت به هند انگلیس ضمیمه شود. در ابتدا میرزا معصوم‌خان انصاری نماینده ایران در کمیسیون معترض نحوه حکمیت و داوری گلداسمید بود که با اسناد و مدارک موثق، کمیسیون اول سرحدی را به شکست کشانیده بود. اما با دخالت و فشار سفارت انگلیس به دولت مرکزی نهایتاً وی از کار برکنار و میرزا ملک‌خان ارمنی مذاکره‌کننده موضوع هرات که منجر به جدایی هرات از ایران برای همیشه شد، جایگزین شد. در نتیجه هرات در سال ۱۲۳۶ خورشیدی به موجب معاهده پاریس با مداخله بریتانیا از ایران جدا شد. در خصوص بحرین نیز از اوایل قرن نوزدهم، بریتانیا با بهانه‌های مختلف به دخالت و نفوذ در بحرین پرداخت و این بخش از قلمرو تاریخی ایران (که برای ۲۰۰۰ سال به ایران تعلق داشت) با تمهیداتی از ایران جدا و سپس تحت‌الحمایه خود کرد. در نهایت، بحرین در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی با

توطئه انگلیس و برگزاری رفراندوم صوری و غیرواقعی به عنوان کشوری مستقل در سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد.

### **ب- توطئه‌ها و مداخلات انگلیس پس از انقلاب اسلامی**

آنچه که تاکنون گفته شد، اشاره‌ای مختصر به اقدامات استعماری و خرابکارانه انگلیس علیه مردم ایران در طول حضور گسترده این کشور در ایران بود. انگلیسی‌ها از زمانی که قدم بر خاک ایران گذاشتند بنای خود را بر ایجاد تفرقه در میان دولتمردان و ایجاد اختلاف با کشورهای همسایه گذاشتند و از هیچ توطئه و جنایتی در جهت تضعیف ایران کوتاهی نکردند. آنها با سرگرم نمودن کشور به مشکلاتی که خود ایجاد نموده بودند، به غارت ثروت ملی، منابع نفتی و معدنی ایران پرداختند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، طومار یکه‌تازی‌ها و سیاست‌های غارتگرانه و توطئه‌محور آنها برچیده شد. انگلیس که دست خود را از این ثروت عظیم کوتاه دید، از همان ابتدا تحرکات و توطئه‌های استعماری را در دستور کار قرار داد. پس از انقلاب مناسبات دو کشور در مقاطع مختلف با فراز و نشیب‌های متعدد از جمله قطع و کاهش روابط دیپلماتیک، وضع و اعمال تحریم‌های ضدایرانی، اعمال نفوذ در پرونده هسته‌ای و مسائل حقوق بشری ایران، فعالیت‌های رسانه‌ای و طرح اتهامات متعدد علیه ایران همراه بوده است.

در این میان، رویکرد انگلیس همواره متناسب با شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی متحول شده است. با این حال، مجموعه این اقدامات در امتداد سابقه تاریخی مداخله بریتانیا در امور داخلی ایران ارزیابی می‌گردد.

#### **• عدم اجرای تعهدات مربوط به فروش تانک چیفتن به ایران**

به موجب قراردادی که در زمان حکومت پهلوی در ایران و شرکت IMS به امضا رسیده بود، تهران سفارش ساخت یک هزار و ۷۵۰ دستگاه تانک چیفتن به ارزش ۶۵۰ میلیون پوند را به وزارت دفاع

انگلیس داد. اما تا زمان وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) فقط ۱۸۵ عدد از این تانک‌ها به ایران تحویل داده شد و بعد از انقلاب تحویل آنها متوقف گردید. مبلغ این قرارداد ششصد میلیون پوند تخمین زده شده بود که با احتساب هزینه تجهیزات لازم و لوازم یدکی آن، در حدود یک میلیارد پوند می‌شد. اعتصابات داخلی در کارخانجات نظامی انگلستان منجر به تأخیر در ساخت و تحویل تانک‌های درخواستی ایران شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انگلستان به بهانه مسئله مالی از واگذاری تانک‌ها خودداری کرد و از دادن تجهیزات، لوازم یدکی، تعمیر و نگهداری تانک‌های قبلی نیز سر باز زد. دولت انگلیس نه تنها از واگذاری تانک‌ها خودداری کرد بلکه از عودت وجه آنها به بهانه‌های واهی نیز ممانعت کرد. با شکایت ایران، انگلیس پس از حدود ۴۵ سال با پرداخت وجه تانک‌ها موافقت کرد.

#### • میدان مشترک گازی رام RHUM و بلوکه کردن دارایی‌های ایران

سهم ایران در این میدان گازی که در ۴۰۰ کیلومتری شهر ابردین در سواحل اسکاتلند در دریای شمال قرار دارد، ۵۰ درصد است و ۵۰ درصد دیگر در اختیار شرکت بریتیش پترولیوم است. هر چند که این میدان در سال ۱۹۷۷ میلادی کشف شده، اما به دلیل مشکلات فنی از جمله بالا بودن دما و فشار گاز موجود در آن، توسعه آن بارها به تأخیر افتاده بود. ظرفیت تولید این میدان گازی نیز ۵/۹ میلیون متر مکعب در روز است. اگرچه به علت تحریم نفت ایران بهره‌برداری از این میدان متوقف شده بود، اما در سال ۲۰۱۲ از سوی انگلیس توافقنامه‌ای در اتحادیه اروپا امضا و تحریم‌های مرتبط با این میدان برداشته و اینگونه مصوب شد که ایران حقی برای برداشت ندارد، اما سهم آن از تولیدات این میدان مشترک، پس از لغو تحریم‌ها پرداخت خواهد شد. به این ترتیب عملاً تمام درآمدها تا زمان لغو تحریم‌ها در حسابی بلوکه گردید؛ تحریم‌هایی که با مداخلات انگلیس و آمریکا برقرار شده است.

#### • حمله به سفارت ایران در لندن

در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ یکسال پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، شش نفر از تجزیه-طلب‌های خلق عرب خوزستانی با حمله مسلحانه به سفارت ایران در لندن ۲۶ نفر را به گروگان گرفتند. درخواست این افراد آزادی ۹۱ نفر از زندانیان خود در ایران بود. نحوه اقدام حمله‌کنندگان و سلاح‌هایی که به راحتی وارد انگلیس کرده بودند نشان از نوعی هماهنگی داشت. گروگان‌گیران در این حمله عباس لواسانی یکی از دیپلمات‌های ایران را به شهادت رساندند. بعد از این جنایت، دستور حمله به سفارت صادر و نیروی ویژه پلیس انگلیس با تخمین و احتمال کشته شدن ۴۰ درصد از گروگان‌ها وارد عمل شد. پلیس انگلیس تمامی گروگان‌گیرها را در صحنه به قتل رساند. در این حادثه، یک دیپلمات دیگر به نام دکتر صمدزاده مجروح شد، در حالیکه پلیس لندن هیچ تلاشی برای حفاظت از جان این دیپلمات ایرانی انجام نداد و وی نیز در اثر شدت جراحات جان باخت. بدین دلیل، غلامعلی افروز کاردار وقت سفارت اعلام کرد نقش انگلستان در این ماجرا کمتر از رژیم بعث نبود.

### • حمایت همه‌جانبه از صدام حسین در جنگ تحمیلی ۸ ساله

بریتانیا هرچند در جنگ عراق با ایران ادعا می‌کرد از فروش تسلیحات به طرفین درگیر امتناع می‌کند، ولی شرکت‌های انگلیسی با عناوین مختلف در قراردادهایی که با عراق منعقد می‌کردند، در حال تجهیز ارتش این کشور بودند؛ شرکت «مارکونی» یکی از چندین شرکت انگلیسی بود که در جهت فروش تجهیزات به عراق فعالیت می‌کرد. این شرکت در سال ۱۹۸۵ قرارداد فروش فرستنده‌های «میکرو ویو» را به عراق امضا کرد تا به وسیله این دستگاه‌ها و با استفاده از خطوط تلفن، دستورات در کمترین زمان ممکن به جبهه‌های جنوب ارسال شود. شرکت‌های انگلیسی علاوه بر کمک به رژیم بعثی عراق در زمینه ساخت سلاح و مهمات، برای حفاظت از جان قوای مسلح عراقی نیز تلاش‌هایی را انجام می‌دادند؛ به همین جهت به همراه شرکت‌هایی از یوگسلاوی سابق و بلژیک، برای نیروی هوایی ارتش بعث عراق پناهگاه‌های زیر زمینی مستحکمی را ساختند؛ بدین صورت که هریک از کشورهای مورد اشاره بخشی از ساخت و تجهیز پناهگاه‌های نیروی هوایی ارتش

صدام را برعهده داشتند که مسئولیت ساخت و تأمین نیروگاه‌های برق و تجهیزات ارتباطی این پایگاه‌ها بر عهده شرکت‌های انگلیسی بود.

البته لندن در تجهیز ارتش بعث عراق به سلاح‌های ممنوعه کشتار جمعی همچون سلاح‌های شیمیایی نیز نقش داشته است به نحوی که علائم موجود روی بقایای بسیاری از بمب‌هایی که در حلبچه پیدا شد، نشان می‌دهد که عراق در ساخت سلاح‌های شیمیایی از مشارکت ۱۸ شرکت انگلیسی نیز استفاده کرده و فقط در یک مورد، دولت انگلستان در سال ۱۹۸۵ کارخانه ۱۴ میلیون پوندی تولید کُمر را که توسط رژیم بعث عراق برای ساخت سلاح‌های شیمیایی مورد استفاده قرار می‌گرفت، تجهیز کرده است.

### • حمایت از سلمان رشدی

پس از انتشار کتاب ضاله «آیات شیطانی» که توسط سلمان رشدی مرتد نوشته شد و مورد حمایت انگلیس قرار گرفت، امام خمینی(ره) فتوای قتل سلمان رشدی را صادر نمودند. از این‌رو، مجلس شورای اسلامی در نهم اسفند ۱۳۶۷ طی جلسه فوق‌العاده، با اعلام ضرب‌الاجل یک هفته‌ای برای انگلیس، هرگونه رابطه سیاسی با لندن را منوط به عذرخواهی مقامات انگلیسی و تجدیدنظر در مواضع غیراصولی نسبت به جهان اسلام و کتاب آیات شیطانی نمود. از آنجا که اظهارات و موضع‌گیری‌های مقامات انگلیس فاقد عذرخواهی رسمی و علنی بود، جمهوری اسلامی ایران در ۱۶ اسفند ۱۳۶۷ در پایان مهلت یک هفته‌ای، روابط سیاسی خود را با انگلستان به‌طور رسمی قطع کرد. انگلیس که تصور چنین اقدامی را از سوی ایران نداشت، دیگر دولت‌های اروپایی را ترغیب کرد تا سفرای خود را از تهران فرا بخوانند.

### • برقراری تحریم علیه ایران و حمایت از تحریم‌های سازمان ملل

انگلیس اولین کشوری بود که تحریم‌هایی را در واکنش به ملی‌شدن صنعت نفت توسط مصدق اعمال نمود. این کشور در کنار آمریکا و کانادا، علاوه بر پیروی از تحریم‌های سازمان ملل، تحریم‌هایی

را نیز به‌طور یکجانبه بر ایران اعمال نموده‌اند (در بخش دیگر به تفصیل به تحریم‌های انگلیس پرداخته خواهد شد).

### • نقش سفارت انگلیس در فتنه سال ۱۳۸۸

نمونه‌های متعددی از خراب‌کاری‌های عاملان انگلیس در وقایع پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ وجود دارد: حضور آشکار دیپلمات‌های انگلیسی با نمادهای سبز در میان آشوبگران، اعزام جاسوس‌های انگلیس در ظاهر خبرنگار به ایران و پوشش همه‌جانبه اتفاقات منتهی به انتخابات تنها نمونه‌هایی از کارشکنی‌های انگلستان در این برهه است. در این میان، بی‌بی‌سی فارسی نیز با دامن زدن به حوادث و متشنج نشان دادن اوضاع، امنیت ایران را تهدید می‌کرد. طبق شواهد و مدارک موجود، سفارت انگلیس در تهران تحت پوشش نیروهای محلی، افرادی را بین اغتشاشگران فرستاده و مطالب موردنظر خود را به آنها القا می‌کرد. در پی بروز دخالت‌های افراد سفارت انگلیس، تعداد ۸ تن از کارمندان این سفارتخانه دستگیر شدند.

### • مخالفت با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای

به فاصله کوتاهی از مطرح شدن موضوع برنامه هسته‌ای ایران، دامنه توطئه‌ها و چالش‌های سیاسی متعددی از سوی کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی به اجرا درآمد. ترور دانشمندان هسته‌ای، تحریک و ترغیب اعراب منطقه در اتخاذ مواضع خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران، اعمال تحریم‌های همه‌جانبه، چالش‌ها و توطئه‌هایی هستند که دشمنان غربی از جمله انگلستان در ضدیت با برنامه هسته‌ای ایران اجرا نمودند.

لندن که از نخستین حامیان برنامه هسته‌ای ایران در دوران پهلوی به‌شمار می‌رفت، ضمن قطع حمایت‌های خود به بزرگترین مخالف برنامه هسته‌ای ایران مبدل گردیده و تمامی قراردادهای فیما بین را به حالت تعلیق درآورد. شرکت‌های انگلیسی نیز بدون آنکه به ایران غرامتی پرداخت کنند، ادامه فعالیت‌های هسته‌ای خود در ایران را به‌صورت یکجانبه لغو نمودند و از انجام تعهدهای خود سر باز زدند. در واقع، اولین رویکرد انگلستان با پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه الغای فعالیت‌های هسته‌ای، تحریک، ترغیب و در نهایت، اعمال فشار بر سایر کشورهای بود که با ایران

همکاری‌های هسته‌ای داشتند. انگلیس همچنین از جاسوسان دوتابعیتی برای مداخله در امور داخلی و همچنین جاسوسی از تأسیسات هسته‌ای و مراکز نظامی ایران بهره گرفته است. اسناد مربوط به ارتباط شهروندان دوتابعیتی از قبیل نازنین زاغری، انوشه آشوری و اخیراً نیز علیرضا اکبری با سرویس جاسوسی بریتانیا از سوی دستگاه اطلاعاتی ایران منتشر شده است.

### • توقیف نفتکش ایران در جبل الطارق

در ۱۳ تیرماه ۱۳۹۸ مقامات منطقه جبل الطارق و نیروی دریایی سلطنتی انگلیس، در یک راهزنی آشکار و بر خلاف مقررات بین‌المللی، کشتی نفتی حامل نفت ایران را متوقف و ضبط کردند. بریتانیا به این بهانه که مقصد نفتکش گریس ۱، پالایشگاه بانیاس در سوریه بوده است، آن را توقیف نمود. این درحالی بود که تحریم نفتی سوریه در خصوص صادرات نفت به دیگر کشورها بود و حمل نفت به بنادر سوریه موضوع تحریم‌ها نبود. علاوه بر این، انگلیس مرتکب اقدامات تحریک‌آمیزی دیگری از جمله تعرض به حریم دریایی ایران شده که در دو مورد در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ منجر به دستگیری نیروهای متجاوز گردید.

### • حمایت از منافقین و گروه‌های تجزیه طلب مسلح

انگلیس همواره از مخالفین نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله سازمان تروریستی منافقین حمایت کرده و مأمن و پناهگاهی برای اعضای گروه‌های معاند تروریستی بوده است. لندن در حالی منافقین را از لیست گروه‌های تروریستی خارج نمود که آمریکا همچنان این گروه را در لیست تروریستی خود داشت. در آذرماه ۱۴۰۱ در میانه اعتراضات داخلی در ایران در یک ابتکار فراحزبی، قانونگذاران بریتانیایی به کنفرانسی در حمایت از اغتشاشات ایران پیوستند و حمایت کامل خود را از به اصطلاح انقلاب دموکراتیک مردم ایران ابراز کردند. این رویداد با حضور مریم رجوی به عنوان سخنران اصلی برگزار شد. مقامات پارلمانی انگلیس با اعضای گروهک منافقین و اپوزیسیون چون رضا پهلوی در ارتباط بوده و از آنها حمایت می‌کنند. این افراد با حمایت مالی و معنوی دولت انگلیس در جریان

وقایع مختلف در مقابل سفارت ایران در لندن تجمع کرده و اقدام به فحاشی و ایجاد مزاحمت برای دیپلمات‌ها و مراجعین سفارت می‌نمایند.

### • ایجاد اختلافات قومی و مذهبی

"تفرقه بیانداز و حکومت کن" یکی از بارزترین سیاست‌های انگلیس در طول دو قرن استعمار این کشور بوده است. این سیاست با ایجاد اختلافات مرزی و تغییر نقشه کشورها، اختلافات قومی و مذهبی و ایجاد تفرقه در میان ملت‌ها اجرا شده و نمود بارز آن در خاورمیانه و شمال آفریقا با تجزیه کشورها قابل مشاهده است. بهره‌برداری از اختلافات شیعه و سنی، تشکیل فرقه‌های ساختگی و ایجاد انحراف در ادیان از شگردهای انگلیس برای پیشبرد اهداف استعماری بوده است. لندن در اجرای این سیاست از رسانه‌های صوتی و تصویری بهره برده است. شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی از جمله بی‌بی‌سی فارسی و شبکه تروریستی اینترنت‌نشال در کنار ده‌ها شبکه انحرافی در لندن به‌صورت تمام‌وقت در حال بمباران فکری و خبری برای جهت‌دهی به افکار عمومی و ایجاد تفرقه در ایران و منطقه هستند. شبکه اینترنت‌نشال، فراتر از یک شبکه خبری به آموزش اقدامات تروریستی به مخاطبان خود می‌پردازد.

### ج- اقدامات مخرب انگلیس طی سه سال گذشته

#### • تشدید تحریم علیه نهادهای و مقامات ایرانی

یکی از ابزارهای دخالت و تضعیف ایران، تحریم‌هایی بوده که انگلیس از ابتدای انقلاب اسلامی علیه کشورمان اعمال نموده است. این تحریم‌ها طی سه سال گذشته و با نزدیک شدن به غروب برجام تشدید یافت. در سال ۲۰۲۳ انگلیس چندین دور تحریم حقوق بشری علیه ده‌ها مقام، فرمانده و نهاد ایرانی به اتهام نقض حقوق بشر و برخورد با اغتشاشگران ۱۴۰۱ برقرار نمود. تا اوت ۲۰۲۳، بریتانیا تحریم‌های مالی علیه ۵۰۸ فرد و ۱۱۸۹ نهاد مرتبط با ایران اعمال کرده است. اکثر این افراد، شرکت‌هایی هستند که به‌بهانه مشارکت در برنامه هسته‌ای و مسائل حقوق بشر تحریم شده‌اند. این تحریم‌ها شامل مسدود شدن دارایی‌ها و ممنوعیت سفر است.

- تحریم واحد ۸۴۰ نیروی قدس سپاه و چند عضو آن به اتهام واهی برنامه‌ریزی عملیات و تهدید امنیتی در خارج از ایران از جمله در بریتانیا در ژانویه ۲۰۲۴؛
- تحریم ۷ شخص و نهاد مرتبط با برنامه موشکی و پهپادی ایران در سپتامبر ۲۰۲۴ به ادعای انتقال موشک‌های بالستیک ایران به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین.
- تحریم شرکت هواپیمایی ایران‌ایر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و یک کشتی روسی در نوامبر ۲۰۲۴ به ادعای مشارکت در انتقال موشک و تجهیزات نظامی به روسیه؛
- اعمال ۷۱ مورد تحریم جدید در سپتامبر ۲۰۲۵ شامل تحریم مقام‌های ارشد برنامه هسته‌ای، مؤسسات مالی، شرکت‌های انرژی و سایر نهادهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران، هم‌زمان با فعال شدن روند بازگردانی تحریم‌ها تحت عنوان اسنپ‌بک؛
- تحریم‌های اعمالی انگلیس در حالی صورت می‌گرفت که سفیر انگلیس در تهران همواره ادعای همکاری و گسترش روابط دوستانه با ایران داشت و مهم‌تر آنکه هیچ سند و مدرکی در اثبات ادعای خود برای اعمال این تحریم‌ها نداشتند.

#### • متهم نمودن ایران به ارسال موشک بالستیک به روسیه

در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ انگلیس با حمایت از طرح آلمان، مدعی «ارسال موشک‌های بالستیک» از سوی ایران به روسیه و استفاده از این موشک‌ها در جنگ اوکراین شد. تروئیکای اروپا با طرح این ادعا اعلام کرد که اقدامات فوری برای لغو قراردادهای دوجانبه خدمات هوایی با ایران، تعیین افراد و اشخاص مهم مرتبط با برنامه موشکی بالستیک ایران و انتقال موشک‌های بالستیک و سایر تسلیحات به روسیه را پیگیری خواهد کرد.

#### • لغو پروازهای ایران به اروپا

در اواخر آبان ۱۴۰۳ انگلیس به همراه آلمان و فرانسه با استناد به ادعای اثبات‌نشده خود در ارسال موشک بالستیک از سوی ایران به روسیه، پروازهای میان تهران و لندن را قطع نمود. انگلیس بر

خلاف تعهدات خود در توافقنامه هوایی حتی فرصت یک‌ساله برای قطع پروازها را رعایت نکرد و با قطع ناگهانی پروازها، مشکلات بسیاری را برای ایرانیان مقیم لندن ایجاد کرد و از پرداخت خسارت-های ناشی از این لغو یک‌طرفه نیز خودداری نمود.

### • طرح ثبت نفوذ خارجی FIRS

در تیرماه ۱۴۰۴ قانون ثبت نفوذ خارجی The Foreign Influence Registration Scheme (FIRS) براساس فصل ۴ قانون امنیت ملی انگلیس که در سال ۲۰۲۳ تنظیم گردید، از سوی پارلمان انگلیس طراحی و به اجرا گذاشته شد. هدف انگلیس از اجرای این طرح ایجاد به اصطلاح شفافیت بیشتر در فعالیت‌های سیاسی قدرت‌های خارجی در بریتانیا و گشودن حوزه‌های قضایی مشخص جهت محافظت از منافع امنیت ملی این کشور بود. طرح ثبت نفوذ خارجی در دو سطح نفوذ سیاسی و سطح پیشرفته اعلام گردید تا براساس آن از فعالیت‌هایی که موجب ورود قدرت‌های خارجی در مسائل این کشور می‌گردید، جلوگیری کند. زمان و نحوه اجرای این طرح و اینکه بلافاصله نام ایران و روسیه در ذیل سطح پیشرفته طرح مطرح گردید، نشان داد که این طرح اقدامی شتابزده و در راستای همان دخالت‌ها و اقدامات خرابکارانه انگلیس صورت می‌گیرد.

### • متهم کردن ایران به ۲۲ مورد خرابکاری و دخالت در انگلیس

در مهرماه ۱۴۰۳ در ادامه ادعاهای واهی مقامات انگلیس علیه ایران، مک‌کالوم رئیس سرویس اطلاعاتی داخلی انگلیس (MI5) در سخنرانی سالانه خود در مقر این سازمان در لندن با طرح مجموعه‌ای از ادعاهای امنیتی علیه چند کشور از جمله ایران، روسیه و چین مدعی شد که در یک‌سال گذشته شمار افراد تحت بررسی در انگلیس به دلیل فعالیت‌های تهدیدآمیز مرتبط با دولت‌های خارجی ۳۵ درصد افزایش یافته است. وی ایران را متهم به انجام ۲۲ مورد خرابکاری در انگلیس نمود. این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که انگلیس پناهگاه تروریست‌ها و منافقین بوده و یکی از حامیان اصلی اغتشاشات در ایران در مقاطع مختلف بوده دارد.

## • دستگیری ۸ تبعه ایرانی و ایجاد جنجال رسانه‌ای

اقدامات مخرب انگلیس با طرح ادعای رئیس MI5 در اردیبهشت ۱۴۰۴ منجر به دستگیری ۸ تبعه ایرانی به اتهام برنامه‌ریزی و تلاش برای اقدامات تروریستی گردید. نکته مهم این بود که پیش از اثبات هرگونه اتهامی، این دستگیری در سطح وسیعی در رسانه‌های انگلیس منتشر شد. پس از چند روز دستگیرشدگان آزاد شدند اما آزادی آنها رسانه‌ای نگردید. این شیوه دستگیری و آزادی متهمان نشان داد که طرح ادعای خرابکاری و دستگیری گروهی از ایرانیان با هدف زمینه‌سازی برای مداخلات بیشتر صورت گرفته است. انگلیس که خود سردمدار ایجاد چنین فضای منفی رسانه‌ای بود، برنامه ارائه استوارنامه سفیر ایران به پادشاه انگلیس را به بهانه مخالفت‌های داخلی به تعویق انداخت.

## • درج اعلان قرمز برای سفر به ایران

از دیگر تحرکات و اقدامات دولت انگلیس، درج اعلان قرمز در سایت دولت این کشور برای سفر به ایران است. این اعلان‌ها در پی حوادث و آشوب‌های داخلی ایران صورت می‌گیرد که منشأ برخی از این آشوب‌ها، تحریکات و دخالت‌های انگلیس است. درج چنین اعلان‌هایی که در سال‌هایی اخیر به‌طور مکرر ادامه داشته، موجب تشدید فضای امنیتی و عدم ورود اتباع سایر کشورها به ایران شده است.

## • ایجاد اخلال در فعالیت دیپلماتیک سفارت ایران در لندن

انگلیس با پناه دادن به منافقین و تروریست‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران، از این افراد حمایت نموده و با ارائه کمک‌های مالی و آزادی عمل بی حد و حصر، از وجود آنها برای رسیدن به اهداف خود بهره‌برداری می‌نماید. منافقین تحت حمایت دولت انگلیس با هر بهانه‌ای در مقابل سفارت ایران در لندن تجمع نموده و با هتاک و حمله به سفارت و مراجعین ایرانی مانع انجام فعالیت‌های دیپلماتیک سفارت می‌شوند. با شروع آشوب‌های ۱۸ و ۱۹ دیماه ۱۴۰۴ معاندین با حمایت‌های مالی اسرائیل به‌صورت شبانه‌روزی در مقابل سفارت ایران مستقر شده و به اقدامات مخرب خود از جمله

فحاشی، ایجاد مزاحمت برای دیپلمات‌های ایرانی، حمله به سفارت و ضرب و شتم مراجعین ادامه دادند. همه این اقدامات در مقابل چشم پلیس لندن صورت می‌گیرد و مقامات انگلیسی به هیچیک از مقررات و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با حمایت دیپلماتیک پایبند نیستند.

### • اجرای اسنپ‌بک

در شهریورماه ۱۴۰۴ انگلیس به‌همراه فرانسه و آلمان به‌عنوان اعضای برجام، مکانیزم «بازگشت فوری تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران» را فعال کردند و این اقدام بلافاصله با استقبال قوی واشنگتن روبه‌رو شد. این اقدام انگلیس و شرکای اروپایی به‌بهانه نقض تعهدات برجام از سوی ایران صورت گرفت در حالیکه ایران به‌دنبال خروج آمریکا از برجام و عدم اجرای تعهدات اروپا، طبق ماده ۳۶ برجام، به‌صورت قانونی تعهدات خود را کاهش داد تا طرف‌های دیگر را مجبور به انجام تعهدات خود کند. بریتانیا پس از پایان این فرآیند، به‌سرعت اعمال مجدد تحریم‌های ضدایرانی را اجرایی کرد. اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ۱۲۱ فرد و نهاد در برنامه هسته‌ای و موشک‌های بالستیک ایران بخشی از این تحریم‌ها بود. این اقدام انگلیس در کنار فرانسه و آلمان که واکنش قانونی ایران را به‌عنوان نقض تعهدات برجام معرفی می‌کنند، حيله خباثت‌آمیز برای توجیه بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران بود. مقامات ایرانی اعلام نمودند که اجرای اسنپ‌بک، اروپا را از مذاکرات سیاسی حذف خواهد کرد اما تروئیکای اروپا در حمایت از فشار حداکثری آمریکا، اسنپ‌بک را اجرا نمودند.

### • تشدید فعالیت‌های شبکه اینترنت‌نشال و بی‌بی‌سی فارسی

حمایت از آزادی بیان و استقلال رسانه‌ها، دو بهانه مطرح‌شده از سوی مقامات دولت انگلیس برای عدم برخورد با اقدامات خرابکارانه رسانه‌های معاند در لندن بوده است. در اسفند ۱۴۰۱ وزارت خارجه انگلیس، در حمایت از کارکنان شبکه اینترنت‌نشال، کاردار سفارت ایران را در لندن احضار کرد. همچنین طارق احمد، معاون وزارت خارجه بریتانیا اعلام کرد مقام‌های بریتانیایی تلاش می‌کنند امنیت را در مکانی مناسب برای شبکه اینترنت‌نشال فراهم کنند تا این شبکه در بریتانیا به

کارش ادامه دهد. دولت انگلیس در حالی فعالیت شبکه تروریستی اینترنت‌نشال را آزادی بیان می‌نامد که این شبکه آشکارا شیوه‌های تروریستی و اقدامات خرابکارانه از جمله ایجاد آشوب و حمله به اماکن و نهادها را آموزش می‌دهد. اگرچه لندن مدعی است که شبکه اینترنت‌نشال و بی‌بی‌سی فارسی مستقل بوده و تحت نظارت دولت نیستند اما دولت انگلیس کاملاً بر اقدامات آنها نظارت داشته و در فعالیت‌های آنها مداخله می‌کند. حوادث غزه و نحوه انتشار اخبار مربوط به حمایت‌های مردمی و نخبگان از فلسطین نشان داد که شبکه‌ها و رسانه‌های مستقر در انگلیس هیچگونه استقلالی ندارند و کاملاً تحت نظارت و مداخله دولت قرار دارند. کمی پس از بمباران ایران توسط رژیم صهیونیستی، لورا کوئنسبرگ، خبرنگار بی‌بی‌سی، با رضا پهلوی مصاحبه کرد. رضا پهلوی در این مصاحبه اعلام کرد: «ریشه مشکل، رژیم ایران است».

#### • عدم محکومیت حملات اسرائیل و آمریکا به ایران

انگلیس، علیرغم اینکه خود را حامی و مهد حقوق بشر می‌داند، از محکوم نمودن تجاوز آشکار اسرائیل و آمریکا به ایران امتناع کرد. لندن حتی در برابر کشتار ۱۶۸ دانش‌آموز مدرسه میناب و بیش از یکصد نفر از ملوانان ناو دنا سکوت کرد. انگلیس حتی پا را فراتر گذاشته و در حمایت از طرف متجاوز، در بیانیه‌ای مشترک با رهبران فرانسه و آلمان، حملات متقابل ایران را محکوم کرد. استاندارد دوگانه انگلیس در قبال مسائلی چون جنگ اوکراین، کشتار اسرائیل در غزه و حمله اسرائیل و آمریکا به ایران نشان داد که حقوق بشر ابزاری در راستای پیشبرد اهداف و منافع این کشور است.

#### • مشارکت در جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران

انگلیس در روزهای منتهی به شروع جنگ، اعلام کرد که از اجازه دادن به ایالات متحده برای استفاده از پایگاه‌های آمریکایی در خاک بریتانیا برای بمباران ایران خودداری کرده است. اما استارمر (نخست وزیر) در اول مارس موضع خود را تغییر داد و رسماً اعلام کرد که ایالات متحده می‌تواند از پایگاه‌های نظامی بریتانیا از جمله پایگاه دیه‌گو گارسیا در مجمع‌الجزایر چاگوس در اقیانوس هند و پایگاه فیرفورد در انگلیس برای اهداف دفاعی استفاده کند. سایر پایگاه‌های بریتانیا که به ایالات متحده

اجاره داده شده‌اند، از جمله پایگاه نیروی هوایی سلطنتی میلدنهال و پایگاه نیروی هوایی سلطنتی لکنهیت در سافولک، نیز به پشتیبانی از تلاش‌های جنگی کمک کرده‌اند و به جت‌های اف ۳۵ و هواپیماهای سوخت‌رسانی مورد استفاده در این جنگ خدمات‌رسانی کردند. این سیاست تاکنون توسط اندی برنهام، نخست‌وزیر جدید بریتانیا، که هنگام روی کار آمدن در ماه ژوئیه (تیرماه) به حملات بیشتر ایالات متحده از پایگاه‌های بریتانیا چراغ سبز نشان داد، حفظ شده است. جنگنده‌های تایفون و اف ۳۵ انگلیس برای رهگیری موشک‌ها و پرتابه‌های ایران در قطر، اردن، بحرین، امارات متحده عربی، عراق و قبرس مستقر شدند. از دیگر اقدامات انگلیس می‌توان به استقرار ناو جنگی اچ‌ام‌اس دراگون در قبرس، چهار جت اضافی در قطر و پدافند هوایی در بحرین، کویت و عربستان سعودی اشاره کرد. این در حالی است که بعضی نمایندگان مجلس و رهبران اتحادیه‌های کارگری در ۱۰ مارس ۲۰۲۶ (۱۹ اسفند ۱۴۰۴) خواستار پایان فوری حملات به ایران و پایان دادن به تمامی اشکال مشارکت بریتانیا در جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران شدند.

#### • ایجاد ائتلاف برای حضور در تنگه هرمز

انگلیس در فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵ در نشست‌های متعدد از جمله نشست مجازی انگلیس و ۳۰ کشور در سطح وزرای خارجه، نشست مجازی پاریس در سطح وزرای خارجه و نشست افسران نظامی در لندن با عنوان آزادی دریانوردی، سعی در ایجاد ائتلافی برای بازگشایی تنگه هرمز داشت. این نشست‌ها اقدامی آشکار در جهت مداخله در تنگه هرمز و حمایت از اهداف اسرائیل و آمریکا در حمله به ایران است.

#### • تشدید اقدامات خصمانه علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

در اردیبهشت ۱۴۰۴ پارلمان بریتانیا با امضاء بیش از ۵۵۰ نماینده پارلمان و اعضای مجلس اعیان در نامه‌ای به سر کی‌یر استارمر نخست‌وزیر وقت انگلیس، درخواست کردند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نیروی تروریستی اعلام شود. اگرچه دولت حزب کارگر با این موضوع موافقت نکرد

لیکن پس از چندی در تیرماه ۱۴۰۵ تکمله‌ای به قانون امنیت ملی این کشور زد که براساس آن همکاری با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جرم تلقی می‌گردد.

وزارت کشور انگلیس در تکمیل اقدامات خصمانه خود علیه ایران طی بیانیه‌ای اعلام کرد که پس از تصویب مصوبه پیشنهادی دولت در پارلمان، نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جنبش اسلامی اصحاب حق و گروه داوطلبان اداره اطلاعات نظامی روسیه به‌طور رسمی به فهرست نهادهای مشمول قانون امنیت ملی انگلیس اضافه شده است. بر اساس این تصمیم، حمایت از این نهادها، کمک به آنها یا دریافت پول و منافع مادی از آنها در انگلیس جرم تلقی می‌شود و افراد متهم به چنین اقداماتی ممکن است با مجازات حداکثر ۱۴ سال زندان روبه‌رو شوند. وزارت کشور انگلیس همچنین اعلام کرد افرادی که به ادعای دولت این کشور از طرف نهادهای یادشده مرتکب اقداماتی مانند خرابکاری شوند، ممکن است بر اساس قانون امنیت ملی مصوب ۲۰۲۳ به حبس ابد محکوم شوند.

از آنجا که قرار دادن نام سپاه در فهرست سازمان‌های به اصطلاح تروریستی ذیل قانون مبارزه با تروریسم مصوب سال ۲۰۰۰ انگلیس در تضاد است، دولت انگلیس با تصویب شتاب‌زده قانون جدید، سازوکاری مشابه را برای برخورد قضایی با افراد مرتبط با نهادهای رسمی کشورهای دیگر ایجاد کرده است.

### • حمایت از عملیات طرد اقتصادی ترامپ

همزمان با تلاش‌های آمریکا برای اجرای موج جدیدی از تحریم‌ها و فشار حداکثری علیه ایران، بریتانیا با این روند همراهی کرده است. جان هیلی، وزیر دارایی انگلیس در ۲۵ آگوست ۲۰۲۶ (سوم شهریورماه) اعلام کرد که این کشور از تلاش‌های ایالات متحده برای افزایش فشار از جمله تحریم‌های گسترده علیه ایران استقبال می‌کند. هیلی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که دولت انگلیس از زمان روی کار آمدن حزب کارگر بیش از ۲۴۰ تحریم علیه ایران وضع کرده است و به همکاری با آمریکا و سایر شرکای خود برای اعمال فشار اقتصادی بر ایران ادامه خواهد داد. بر مبنای اظهارات هیلی،

بریتانیا از افزایش فشار بر تهران از جمله اقداماتی که آمریکا در قالب عملیات موسوم به «طرد اقتصادی» دنبال می‌کند، استقبال می‌کند.

## جمع بندی

روابط ایران و انگلیس در بستر تاریخی خود همواره با مداخلات مستقیم و غیرمستقیم بریتانیا همراه بوده است؛ روندی که از قرن نوزدهم تا دوران پس از انقلاب اسلامی استمرار یافته و اشکال گوناگونی از حمله نظامی، کودتا، تحریم، قطع روابط دیپلماتیک و مداخله امنیتی را در بر گرفته است. بررسی اقدامات بریتانیا طی سه سال گذشته نشان می‌دهد که سیاست لندن در قبال جمهوری اسلامی ایران شامل فشار چندلایه است که در سه حوزه تقنینی، قضایی و اجرایی در جریان است. در این دوره تحریم‌های متعدد به یکی از ارکان سیاست انگلیس در قبال ایران تبدیل شده‌اند و همزمان موضوعاتی مانند حقوق بشر، برنامه پهنپادی و موشکی، همکاری نظامی ایران و روسیه، فعالیت‌های منطقه‌ای و ادعاهای مربوط به تهدیدات امنیتی در خاک بریتانیا به یکدیگر پیونده خورده و رفتار خصمانه انگلیس را شکل داده‌اند.